

Feasibility of Open Trial in Cyberspace

Ali Akbar Izadi Fard*

Elias Yari**

Mehrdad Pakzad***

Mahdi Taleghan Ghaffari****

Received: 2021/11/25

Accepted: 2022/08/16

Abstract

Principle of publicity is one of fundamental principles of proceeding which has been regarded as an essential component in fair trial in human right documents and there are clear signs confirming it in the Imamiya jurisprudence. The Civil Procedure Act 1379 unlike Civil Procedure Act 1318 and Criminal Procedure Act 1392 is silent about it; but according to Constitution Act, Principle 165, observation of this principle is necessary in civil cases too. Principle of publicity do not restrict to usual proceeding that in it the parties are required to be present in the court, rather, its observation is necessary in electronic proceeding; because this two proceedings have not substantive differences, and only holding procedures are different. On the other hand, currently lack of space in courts and long distances cause this principle to be isolated, using electronic instruments facilitate the presence of people in courts by spending less time and small expense. This approach not only has not any conflict with jurisprudential foundations, but also it is in compliance with them under the auspices of conditions of time and place, as it removes losses arising from the isolation of publicity of trials and facilitates its application. Practice of wise-men, generality and unconditionality of reasons relating to publicity of proceeding together with lack of prohibition on the side of Shariah confirm this approach. Therefore, the comprehensive system of electronic proceeding and national justice network should not restrict itself to the parties of a given case and instead it needs to allow those who intend to participate in legal proceedings by creating technical and legal infrastructure.

Keywords: Public trial, Civil procedure, Cyberspace, Electronic proceeding, Exceptions to the principle of public trial.

* Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

ezadifard@umz.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ilam, Iran (Corresponding Author).

yari.elias@yahoo.com

*** Ph.D. Student of Private Law, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

M.pakzad@stu.umz.ac.ir

**** Ph.D. Student of Private Law, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Mazandaran, Iran.

m.taleghanghaffari@stu.umz.ac.ir



امکان سنجی دادرسی علنی در فضای مجازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

علی اکبر ایزدی فرد*

الیاس یاری**

مهرداد پاکزاد***

مهدی طالقان غفاری****

چکیده

اصل علنی بودن دادرسی در زمره اصول بنیادین دادرسی است که در اسناد معتبر حقوق بشر از بایسته‌های دادرسی عادلانه تلقی و در فقه امامیه نیز نشانه‌های بارزی بر تأیید آن وجود دارد. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ برخلاف قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص این اصل سکوت اختیار کرده است؛ لکن با وجود تصریح اصل ۱۶۵ قانون اساسی به لزوم علنی بودن محاکمات، بی‌شک رعایت آن در محاکمات مدنی نیز ضروری است. علنی بودن دادرسی محدود به دادرسی معمول که طرفین حضور فیزیکی در دادگاه دارند نیست بلکه به نوع الکترونیکی آن هم قابل تسری است؛ زیرا این نوع دادرسی تفاوت ماهیتی با دادرسی معمول ندارد و تنها تشریفات برگزاری این دو متفاوت است. از طرفی با توجه به اینکه هم‌اکنون کمبود فضا و نیز بعد مسافت باعث مهجور ماندن وصف علنی دادرسی‌ها شده است؛ استفاده از ابزارهای الکترونیکی این امکان را فراهم می‌سازد تا عموم با صرف وقت و هزینه کمتر در دادگاه حضور یابند. استفاده از این شیوه نه تنها مابیتی با مبانی فقهی ندارد بلکه به دلیل دفع ضرر ناشی از مهجور ماندن علنی بودن دادرسی و تسهیل رعایت آن با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی همسو با موازین شرعی است. بنای عقلاء، عموم و اطلاق ادله مشعر بر لزوم علنی بودن محاکمات به انضمام عدم منع و ردع شارع نیز این نظر را تأیید می‌کند؛ بنابراین شایسته است که نظام جامع دادرسی الکترونیک و شبکه ملی عدالت صرفاً متوجه اصحاب دعوی نشود و با ایجاد زیرساخت‌های فنی و حقوقی به افرادی از اجتماع که قصد حضور در جلسات دادگاه یا دسترسی به آراء صادره را دارند نیز تسری یابد.

واژگان کلیدی: دادرسی علنی، آیین دادرسی مدنی، فضای مجازی، دادرسی الکترونیک، استثنائات اصل علنی بودن دادرسی.

* استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

ezadifard@umz.ac.ir

** استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول).

yari.elias@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران،

M.pakzad@stu.umz.ac.ir

مازندران، ایران.

**** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران،

m.taleghanghafari@stu.umz.ac.ir

مازندران، ایران.



مقدمه

اصل علنی بودن دادرسی که عملکرد دادرسی را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می‌دهد، نقش بی‌بدیلی در تحقق دادرسی منصفانه دارد تا آنجا که شورای دولتی فرانسه از این اصل با عنوان اصل عمومی حقوق یاد کرده است (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۲۸۶). در یکی از آراء صادره در انگلستان این اصل را تضمینی برای رعایت دیگر تضمین‌ها معرفی کرده‌اند (Scott v scott, 1943). در ق.آ.د.م ۱۳۷۹ اصل علنی بودن دادرسی به کلی مسکوت مانده است. این در حالی است که ماده ۲۲ ق.آ.د.م. فرانسه صراحتاً بیان می‌دارد که مذاکرات علنی هستند مگر در مواردی که قانون برگزاری آن به صورت علنی را ایجاب یا تجویز کرده باشد (شمس، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۲). در قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان نیز به علنی بودن دادرسی ذیل مقررات متفرقه راجع به محاکمه تصریح شده است؛ حقوق دانان انگلیسی به محل تصریح این اصل ایراداتی وارد ساخته و معتقدند که غیرقابل توجیه است که این اصل صرفاً به عنوان یک مقررۀ متفرقه راجع به محاکمه در قواعد دادرسی مدنی گنجانده شده است (Grainger, 2000, p. 138). در ایران نیز با وجود سکوت قانون آیین دادرسی مدنی با توجه به تصریح اصل ۱۶۵ ق.ا این اصل در زمره اصول آمره دادرسی است که در دعاوی مدنی لازم‌الرعایه است؛ آنچه در این مقاله در پی تبیین آن هستیم این است که با توجه به گرایش روزافزون دولت‌ها برای استفاده از ابزارهای مجازی در دادرسی این تحول چه تأثیری در علنی بودن رسیدگی‌ها دارد؟ آیا دادرسی الکترونیکی اصل علنی بودن دادرسی را تسهیل می‌کند یا موجب تضییق در اجرای آن می‌شود؟ با فرض ایجاد زیرساخت‌های فنی از نظر موازین شرعی و نیز قوانین جاری آیا حضور مجازی مردم در جلسات دادرسی و دسترسی به پرونده قابل دفاع است؟ بدین منظور جستار حاضر ضمن تبیین مفاهیم علنی بودن رسیدگی و دادرسی الکترونیکی؛ به واکاوی مشروعیت حضور مجازی عموم در دادرسی خواهد پرداخت و از رهگذر بررسی مورد مطروحه در حقوق موضوعه و همچنین با در نظر گرفتن استثنائات موجود به سؤالات یاد شده پاسخ داده خواهد شد.

۱. مفهوم علنی بودن رسیدگی

علنی بودن دادرسی یعنی آزادی ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از

جریان آن آگاه شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص. ۲۶۳۶). مقصود از علنی بودن این است که استماع دعاوی در معرض ملاحظه عموم است، به گونه‌ای که فرایند رسیدگی و استماع در دادگاه برای عموم به ویژه از طریق مطبوعات و رسانه‌ها قابل ملاحظه خواهد بود (فضائلی، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۳). تعاریف فوق دارای ایراد مشترکی هستند و آن محدود ساختن علنی بودن دادرسی به آزادی ورود و خروج به جلسه دادگاه است. حال آنکه دادرسی علنی فراتر از این معنای محدود است و به مرحله صدور حکم و انتشار آراء نیز تسری می‌یابد. برخی حقوق‌دانان با توجه به این موضوع، تعریف مناسب‌تری ارائه کرده‌اند. بر این اساس، برای علنی بودن دو معنا می‌توان تصور کرد؛ نخست آنکه جریان دعوی و مجادلات اصحاب دعوی اصولاً علنی و غیرسری برگزار شود و هر کس بتواند در اتاق دادگاه حاضر شود و از روند دادرسی مطلع شود. دوم آنکه رأیی که صادر می‌شود در اختیار عموم نهاده شود تا مردم بتوانند از نتیجه کار دستگاه قضائی مطلع شوند و به ارزیابی مشروعیت آن بپردازند (غمامی و محسنی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۲). تعریف اخیر، از آن‌رو که مفهوم وسیع‌تری از دادرسی علنی ارائه می‌کند و گستره علنی بودن را به آزادی حضور در جلسه محدود نمی‌کند از سایر تعاریف مناسب‌تر است.

۲. دادرسی الکترونیکی

امروزه در راستای کاهش هزینه‌های دادرسی، کاهش اطاله دادسی، دسترسی آسان و سریع به عدالت (زرکلام، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۲)، اکثریت کشورها با حدود و ثغور مشخصی سعی در کاستن از نقش عوامل انسانی در دادرسی و حرکت به سمت الکترونیکی کردن آن دارند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در این راستا قوانینی مانند قانون جرائم رایانه‌ای، قانون تجارت الکترونیک، قانون برنامه پنجم توسعه و مواد ۴۶ تا ۴۹ آن که به نظام اداری و مدیریت فناوری اطلاعات اختصاص دارد، هر کدام به طریقی سعی در ایجاد زیرساخت‌های حقوقی لازم برای ایجاد دولت و نیز دادرسی الکترونیک داشته‌اند. مواد ۳۵، ۳۴ و ۳۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۵، نیز بر حق استفاده شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و کسب اطلاعات در فضای مجازی تأکید دارد. در هیچ‌کدام از این قوانین، دادرسی الکترونیک تعریف نشده است؛ اما همان‌طور که گفته شده است دادرسی

الکترونیکی به نوع متفاوتی از رسیدگی ماهیتی یا به نوع متفاوتی از عدالت اشاره ندارد بلکه منظور توان قضائی متفاوت می‌باشد که دادگاه‌ها از ابزارهای نوین در رسیدگی‌های خود استفاده می‌کنند؛ لکن این امر به معنای تغییر ماهیت رسیدگی نیست بلکه تنها تفاوت در ساختار خارجی رویه‌ها دیده می‌شود (پوراستاد و گلنوش، ۱۳۸۹، ص. ۴۴). در تعریفی دیگر، رسیدگی به دادخواهی از طریق ارتباط همزمان با استفاده از واسطه‌های الکترونیک که اهداف و برنامه‌های دادرسی سنتی را با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم می‌کند به‌عنوان تعریف دادرسی الکترونیک ذکر شده است (سرخوش و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸، ص. ۶۲). به نظر برخی دیگر دادرسی الکترونیکی بهره‌مندی از روش‌های الکترونیکی ارتباطی و اطلاعاتی برای طرح دعوی در دادگاه و انجام فرایند دادرسی از تسلیم دادخواست و شکواییه و ابلاغ اوراق قضائی تا رسیدگی به دعوی و دلایل و صدور رأی و اجرای آن است. تلفن همراه، نشانی رایانامه و تارنماهای اینترنتی؛ از مهم‌ترین ابزارها هستند (زرکلام، ۱۳۹۱، ص. ۳۱). در یک تعریف مختصر می‌توان دادرسی الکترونیک را عبارت از آن نوع دادرسی دانست که در آن برخی اجزاء دادرسی که در قانون منصوص است در محیط الکترونیک با کمک فناوری اطلاعات صورت می‌گیرد. وجه متمایز این تعریف آن است که تشخیص اینکه کدام نوع دادرسی و چه بخش‌هایی از آن می‌تواند به صورت الکترونیک انجام شود را به قانون واگذار می‌کند و در نبود صراحت قانونی باید اصل را بر دادرسی غیرالکترونیکی دانست.

۳. بررسی مشروعیت حضور مجازی عموم در دادرسی

با توجه به عموم و اطلاق اصل ۴ قانون اساسی مبنی بر لزوم عدم مغایرت کلیه قوانین با موازین شرعی در ابتدا باید حضور مجازی عموم در دادرسی را از این زاویه بررسی و سپس از دیدگاه حقوق موضوعه به آن پرداخت.

۳-۱. بررسی فقهی

در منابع فقهی مسائلی مطرح شده که بر تأیید اصل علنی بودن دادرسی در فقه امامیه صحه می‌گذارد. برای مثال گفته شده مستحب است که از اهل علم در دادگاه حضور

داشته باشند تا در صورت خطا بودن حکم به قاضی تذکر دهند زیرا انسان دچار خطا و فراموشی می‌شود (صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۴۰، ص. ۷۷). این امر با علنی بودن دادرسی مطابقت دارد و نشان می‌دهد اگر قضاوت شخص در معرض نظارت عمومی باشد، می‌تواند اثرات قابل توجهی داشته باشد (خدابخشی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص. ۳۰۲). در خصوص مکان محاکمه نیز برخی از فقها به لزوم تشکیل جلسه دادرسی در مکان‌های سهل‌الوصول و وسیع که در معرض دید همه افراد باشد، اشاره کرده‌اند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص. ۲۰). همچنین گفته شده مستحب است که مکان دادگاه در مرکز شهر باشد تا همه به نحو مساوی امکان ورود به آن را داشته باشد (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۵۲۹). قاضی باید وقت حضور خود را در دادگاه به طریقی مطمئن به اطلاع عموم برساند و دادگاه را در فضایی وسیع به صورت علنی تشکیل دهد تا دسترسی به او برای همه آسان باشد (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص. ۸۶)؛ از این بیان فقها دو نکته قابل استنباط است؛ نخست آنکه همه شهروندان از حق دسترسی به محکمه برخوردارند. دوم آنکه محاکمه سری روا نیست و مکان دادگاه باید به نحوی باشد که مردم ناظر جریان دادرسی باشند و یا امکان اطلاع از جریان محاکمه را داشته باشند. از دیگر موضوعات مرتبط با علنی بودن دادرسی در فقه امامیه موضوع حاجب است. حاجب کسی بود که بر در دادگاه‌ها می‌ایستاد تا نظم و ورود و خروج ارباب رجوع را نگه دارد و مانع بی‌نظمی در جلسات شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص. ۵۲۵). در خصوص جواز یا عدم جواز گماشتن حاجب در فقه امامیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی در صورتی که نصب حاجب مانع دسترسی مردم به قاضی شود، این کار را مکروه می‌دانند (ابن ادریس حلی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۵۶). برخی نیز معتقدند دربان اگر مانع ورود مردمان باشد، حاجب قرار دادن حرام ولی اگر برای جلوگیری از بی‌نظمی باشد، جایز است. در تأیید این نظر گفته شده است؛ دربان در صورتی که همیشه مانع حضور افراد شود از آنجا که موجب تعطیلی حقوقی است که ادای آن فوری است و باید تدارک شود، حاجب قرار دادن حرام خواهد بود (صاحب جواهر، ۱۹۸۱م، ج ۴۰، ص. ۸۰). منشأ این عقیده روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که مطابق آن کسی که بر چیزی از امور مردم ولایت دارد و به هنگام نیاز و احتیاج آنان مانعشان

شود، خداوند نیز به هنگام نیاز و احتیاجش مانع او خواهد شد (سنگلجی، ۱۳۸۱، ص. ۹۵). سیره عملی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز مؤید این قضیه است؛ زیرا ایشان در منظر مردم و در مسجد و دکه‌القضا در برابر چشم همگان به دعاوی رسیدگی می‌کردند تا مردم در جریان امر قرار بگیرند و غیر از آشنایی با آیین و روش دادرسی، شاهد رعایت عدالت در برخورد با طرفین دعوی و عادلانه بودن حکم و اعمال صحیح حدود و مقررات الهی باشند (هاشمی، ۱۳۷۸، ص. ۹۲). پس از بررسی اجمالی اصل علنی بودن دادرسی در فقه نکته قابل بررسی این است که آیا استفاده از ابزارهای ارتباطی نوین جهت حضور افراد در جلسه دادرسی از نظر فقه امامیه مشروعیت دارد؟ در این خصوص باید توجه داشت که ادله‌ای که بر لزوم علنی بودن دادرسی دلالت دارد اطلاق داشته و منحصر به دادرسی فیزیکی نیست. گذشته از این، جلسه دادرسی سنتی با نوع الکترونیکی آن تفاوتی ندارد و مفهوم جلسه بر هر دو نوع آن صدق می‌کند. در هر دو وکلا و اصحاب دعوی می‌توانند حاضر شوند و به‌طور مستقیم می‌توانند از مزایای یک جلسه دادرسی بهره‌مند شوند. تنها تفاوت آنها در بستر برگزاری است، به این صورت که جلسه دادرسی الکترونیکی در بستر اینترنت شکل می‌گیرد که این هم تفاوتی عرضی است و جوهر و ماهیت آن را تغییر نمی‌دهد (سرخوش و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸، ص. ۵۸). علاوه بر این، یکی از اصول نوین مطرح در دادرسی مدنی، اصل همگامی با پیشرفت‌ها و استانداردهای جهانی می‌باشد. این اصل را باید از آن جهت در زمره اصول منصفانه دادرسی محسوب داشت که حق هر کسی برخوردار است و استفاده از آثار پیشرفت می‌باشد و نظام دادرسی نمی‌تواند از تحولاتی که به خصوص در پی معرفی روش‌های جدید ارتباط، بایگانی، ابلاغ و تحصیل دلیل محقق شده خود را به دور نگه دارد (آقایاری و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۰). نکته دیگر آنکه در عصر حاضر به دلیل کثرت جمعیت و وسیع بودن شهرها دیگر نمی‌توان از تشکیل دادگاه در مکان بارز سخن گفت؛ به علاوه ملاحظات امنیتی، کنترل ورود و خروج مراجعه‌کنندگان به دادگستری را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ درحالی‌که اگر امکان حضور مجازی افراد در دادگاه فراهم شود افراد به آسانی می‌توانند با اطلاع از زمان و موضوع جلسه دادگاه در آن جلسه شرکت نمایند و از مراجعه حضوری نیز بی‌نیاز خواهند بود. بنای عقلاء نیز این استنتاج را می‌پذیرد. بنای عقلاء به معنای سیره عموم

مردم در مسائل جاری زندگی است. در برخی از امور مردم از ملیت‌های مختلف و در زمان‌های مختلف توجه و اعتماد بر روش واحدی می‌کنند که از آن به بنای عقلاء تعبیر می‌کنند و پایه و اساس روابط مردم در ابعاد مختلف زندگی آنها است (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص. ۳۹). این سیره عملی برگرفته از فطرت و ارتکاز انسان‌ها است و مبادی دیگر مانند اجبار حاکم یا دستور پیامبر در آن مداخلت ندارد. ملاک حسن و قبح افعال نیز هماهنگی یا ناهماهنگی آن با مصالح اجتماعی است چون این مصالح از ضروریات نظام اجتماعی می‌باشند؛ لذا مخالفت شارع با آنها مخالفت با نظام بشری است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص. ۱۱). در مقام تطبیق این موضوع بر بحث حاضر باید گفت فطرت عدالت طلب انسان و میل درونی وی به تحقق عدالت استفاده از هر ابزاری که این آرمان را برای وی قابل دسترس‌تر سازد توجیه می‌نماید از آنجا که استفاده از فضای مجازی مسیر حضور و آگاهی عموم از جریان دادرسی را تسهیل و به تحقق دادرسی علنی مساعدت می‌نماید مورد تأیید شارع قرار دارد.

۲-۳. بررسی حضور مجازی مردم در دادرسی از دیدگاه حقوق موضوعه

در این قسمت به‌طور مشخص باید به این پرسش پاسخ داده شود که با فرض ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم آیا قوانین موضوعه چنین امکانی را تجویز می‌نماید که عموم از طریق سامانه‌های مخابراتی و اینترنتی در دادرسی شرکت نمایند یا مقنن این فرصت را مختص اصحاب دعوی در موارد منصوص می‌داند؟ از مطالعه مواد ۴۷ و ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه، مواد ۶۵۳ و ۶۵۴ ق.آ.د.ک، قانون آیین دادرسی رایانه‌ای، آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و نیز اصل فیزیکی بودن دادرسی و اکتفا به دادرسی الکترونیکی در موارد منصوص، ممکن است این‌گونه استنباط شود که نظر قانون‌گذار صرفاً به اصحاب دعوی معطوف است و استفاده از ابزارهای الکترونیکی فقط برای اصحاب دعوی و وکلای آنان، دادرسی و سایر اشخاص دارای سمت در دادرسی مانند کارشناس و نیز شهود طرفین فراهم است و با عدم صراحت قانون نمی‌توان از حضور مجازی عموم در جلسات دادرسی دفاع نمود. اما به‌نظر می‌رسد این عقیده قابل رد باشد. منطقی اینجاست که حضور مجازی عموم در مقایسه با حضور مجازی اصحاب دعوی در دادرسی از محدودیت‌های کمتری برخوردار باشد. توضیح

آنکه یکی از مضرات دادرسی الکترونیکی که پیوسته محل نقد مخالفان این شیوه دادرسی قرار می‌گیرد این است که در دادرسی حضوری قاضی می‌تواند از نزدیک حالات و رفتار اصحاب دعوی یا شهود را مشاهده و از این طریق راه خود برای کشف حقیقت را تسهیل نماید. جایگزین هوشمندی و ذکاوت انسانی قاضی با ابزارهای دیجیتال این تالی فاسد را در پی دارد که دادرسی را از این موقعیت محروم می‌نماید و کشف حقیقت را دچار مخاطره می‌کند. این در حالی است که افراد جامعه که می‌خواهند در دادرسی حضور داشته باشند در مقایسه با اصحاب دعوی نقش منفعل‌تری در دادرسی دارند؛ آنان در دادرسی ذی‌نفع نیستند؛ تکلیفی به ارائه دلیل و ارائه توضیحات در ارتباط با پرونده ندارند و درک فیزیکی آنان از نزدیک توسط دادرسی برای کشف حقیقت بی‌معنی است. نظر به توضیحات فوق و با در نظر داشتن قیاس اولویت باید گفت وقتی امکان حضور مجازی اصحاب دعوی و شهود که بازیگران اصلی و پویای دادرسی هستند به رسمیت شناخته شده است به طریق اولی حضور مجازی عموم که بازیگران منفعل دادرسی به حساب می‌آیند از این حیث نباید با مانعی مواجه باشد. به علاوه با توجه به فلسفه وضع برخی قوانین و به‌کارگیری اصول تفسیر می‌توان این عقیده را تقویت نمود. بر اساس بند ۳۸ قانون احکام دائمی توسعه: «به‌منظور افزایش سرعت، صحت، کارایی و امنیت در ارائه خدمات حقوقی و قضائی و تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک، قوه قضائیه مکلف است برای توسعه الکترونیک اطلاعات و ارتباطات قوه قضائیه، مراکز و سازمان‌های وابسته نسبت به تکمیل و روزآمد کردن داده‌ها و اطلاعات مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه و توسعه خدمات این مرکز و استقرار کامل شبکه ملی عدالت اقدام کند». در این مقرر مهم قوه قضائیه مکلف به تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک شده است. به نظر می‌رسد این نظام از منظر قانون‌گذار به این معنا است که این شیوه دادرسی باید به کیفیتی پایه‌ریزی شود که علی‌القاعده تمامی تشریفات و اصول حاکم بر دادرسی فیزیکی در آن اجرایی شود و اصحاب دعوی و نیز آحاد جامعه کلیه حقوق و اختیاراتی که در دادرسی فیزیکی دارند در این شیوه دادرسی نیز داشته باشند؛ به‌عبارت مختصر، دادرسی الکترونیکی نباید منتهی به تضییق دامنه اختیارات و حقوق دفاعی اصحاب دعوی و نیز افرادی شود که مایل به حضور در جلسه دادرسی هستند؛ بدیهی است

یکی از این اصولی که باید قوه قضائیه بستر مجازی تحقق آن را فراهم سازد علنی بودن دادرسی است و تنها در این صورت است که می‌توان از ایجاد و تحقق نظام جامع دادرسی الکترونیک سخن گفت. البته مداخله کارآمد اصحاب دعوی، وکلا، کارشناسان و نیز عموم در دادرسی الکترونیک در صورتی قابل تحقق است که ملزومات این نوع دادرسی مانند طراحی متناسب ساختار فیزیکی دادگاه، نصب امکانات انفورماتیک در اتاق دادگاه، آموزش قضات، نگهداری مناسب سیستم‌ها به درستی اجرا شود (مهرافشان، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۵). پرسش مهمی دیگری که مطرح می‌شود نحوه حضور مردم در جلسات دادرسی از طریق فضای مجازی است. در این باره گفته شده است؛ در وضعیتی که در عین الکترونیکی بودن دادگاه مردم نیز می‌توانند در محیط دادگاه حضور فیزیکی داشته باشند مشکلی برای این اصل ایجاد نشده است بلکه مشکل در جایی است که در دادگاه‌های الکترونیک حضور مردم با ممنوعیت مواجه شود و آنها بتوانند فقط از طریق اینترنت جلسه دادگاه را به صورت هم‌زمان مشاهده کنند. ظاهراً در حالت اخیر نیز علنی بودن رعایت شده است ولی در واقع به نظر می‌رسد این‌گونه نیست. یعنی با حضور فیزیکی افراد در دادگاه نوعی فشار عمومی و ملموس بر مقامات دادگاه وارد است. تا به نوعی از خود رأیی آنها جلوگیری شود. به همین نحو این فشار عمومی ناشی از حضور فیزیکی که در حضور اینترنتی کمتر است بر شهود و طرفین دعوی نیز وارد است و تا حدی آنان را از خطا و دروغ دور نگه می‌دارد. با این اوصاف با وجود دادرسی الکترونیکی به نحوی که مردم از جلسه دادرسی بازداشته شوند، فلسفه علنی بودن دادگاه‌ها و این اصل قدیمی که امروزه هم می‌تواند کاربرد داشته باشد زیر سؤال می‌رود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که اصل مشاهده دادرسی از طریق اینترنت امری موازی در کنار امکان حضور فیزیکی افراد در دادگاه باشد؛ در بعد تقنینی اما قضیه به عکس نظر نویسنده فوق است؛ بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی: «در صورت ایجاد و فراهم بودن امکانات لازم اقدامات الکترونیکی موضوع این آیین‌نامه با شرایط مقرر در سامانه رایانه‌ای و سامانه مخابراتی جایگزین اقدامات غیرالکترونیکی خواهد شد. اقدامات موازی در فضای غیرالکترونیک ممنوع است.» در مقام مقایسه می‌توان گفت محیط مجازی نه تنها خللی به علنی بودن

دادرسی نمی‌رساند بلکه در قیاس با حضور فیزیکی به نحو مناسب‌تری به اجرای این اصل کمک می‌کند. در حال حاضر به دلیل کمبود فضای محاکم عملاً اجرای اصل علنی بودن دادرسی و حضور نامحدود مردم در دادگاه غیرممکن است؛ از طرف دیگر بعد مسافت بین مکان دادگاه و محل زندگی فرد و تحمیل هزینه‌های سفر در بسیاری موارد باعث می‌شود که فرد از حضور در جلسه دادگاه منصرف شود. همچنین یکی از اهداف اساسی که باعث شده است بسیاری از کشورها به سمت الکترونیکی و مجازی کردن دادرسی گرایش پیدا کنند، کاهش حجم مراجعات حضوری به محاکم است. این در حالی است که می‌توان همه این خلأها را به کمک فضای مجازی پر کرد؛ به این معنا که عموم از طریق ابزارهای الکترونیک بتوانند به اطلاعات موردنظر خود دست یابند بدون اینکه محتاج مراجعه به دادگاه باشند. حقوق آمریکا در زمینه دسترسی عموم به آراء و اسناد دادگاه دارای مقررات روشنی است. برای مثال در ایالت ورمانت بر اساس مقررات دسترسی عموم به اسناد دادگاه‌ها مصوب می ۲۰۱۹ و در قسمت ۱۱ قاعده ۲ حق دسترسی عموم به این صورت تعریف شده است: «دسترسی عمومی یعنی حق هر شخصی برای مشاهده یا کپی یک سند بدون الزام به ارائه اطلاعات هویتی و یا ارائه دلیل برای توجیه دسترسی» در قسمت X همین قاعده سند این‌گونه تعریف شده است: «هر نوع کاغذ، نامه، نقشه، کتاب، سایر اسناد، نوار ضبط صوت، عکس، فیلم، ویدئو ضبط شده، رونوشت، اطلاعات گردآوری شده و سایر منابع خواه در شکل الکترونیک یا غیرالکترونیک که به صورت قانونی ایجاد یا دریافت شده است». در خصوص دسترسی از راه دور نیز در ادامه آمده است: «دسترسی از طریق اینترنت به وسیله یک رایانه یا سایر ابزارهای الکترونیک که خارج از شبکه اینترنتی دادگستری است». بر این اساس عموم می‌توانند از طریق ابزارهای الکترونیک به همه اسناد راجع به پرونده دسترسی پیدا کنند؛ البته استثنائاتی نیز در این باره وجود دارد؛ مانند دعاوی خانوادگی و دعاوی مربوط به نوجوانان که امکان دسترسی عموم از طریق اینترنت منع شده است.^۱ ایالت ایندیانا نیز دارای مقررات مشابهی است؛ بر این اساس، حق دسترسی عمومی به معنای فرایندی است که مطابق آن فرد می‌تواند اطلاعات مربوط به یک پرونده را مشاهده یا کپی کند بدون اینکه نیازمند ارائه دلیلی برای توجیه دسترسی باشد. این حق بدون مراجعه حضوری قابل اعمال است؛ حق دسترسی از راه دور به این معنا است که

فرد می‌تواند هر گونه سند الکترونیکی مرتبط با پرونده را از طریق ابزارهای الکترونیک مانند رایانه یا اینترنت مشاهده یا کپی کند. سابقه یا سند در این مقررات به معنای هر گونه سند، اطلاعات، داده‌ها یا هر موضوع دیگری است که توسط قاضی یا کارمند دادگاه در رابطه با یک دعوای خاص دریافت، ایجاد یا محافظت شده است (Vermont (rules for public access to court records handbook, 2020, p. 6).

در حقوق ایران به موجب بند ب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اطلاعات شخصی مربوط به امور حقوقی در ردیف امور تجاری، شغلی، تحصیلی، اداری، مالی، در زمره اطلاعات شخصی احصا شده است. مطابق ماده ۹ همین آیین‌نامه، مؤسسات مشمول قانون، حق انتشار یا ارایه اطلاعات مربوط به حریم خصوصی و سایر موارد منع شده در قانون را ندارند مگر در مواردی که قوانین و مقررات، انتشار یا ارایه آنها را الزامی اعلام کرده باشد؛ اما به موجب بند ۵ ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، قوه قضائیه مکلف است پایگاه اطلاعات آراء صادره قضائی را راه‌اندازی نماید. بر اساس بند ۶ نیز باید خلاصه اطلاعات کلیه پرونده‌های مطروحه در محلی مشخص در قوه قضائیه متمرکز و سرویس‌دهی اطلاعات لازم به کلیه دستگاه‌های نظارتی امکان‌پذیر گردد. بر اساس تبصره ماده صدرالذکر، آیین‌نامه این سامانه و زمان‌بندی اجرای آن و نیز موارد استثناء شامل موارد امنیتی، مصادیق خلاف اخلاق، عفت و نظم عمومی و اختلافات خانوادگی و نحوه دسترسی اشخاص و دستگاه‌های نظارتی و سایر موضوعات مرتبط، حداکثر ظرف سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. در این قانون برخلاف قوانین ورمانت و ایندیانا به صراحت اشاره‌ای به حق دسترسی عموم شهروندان نشده است اما با توجه به مبانی، منظور از وضع قانون و نیز ماهیت پایگاه اطلاعات آراء به‌نظر می‌رسد که اطلاعات این پایگاه علاوه بر طرفین دعوی و نهادهای نظارتی باید برای عموم مردم نیز قابل دسترس باشد. اشاره به اشخاص به نحو مطلق در تبصره ماده نیز این استنباط را تقویت می‌کند. علاوه بر این در دستورالعمل توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات قضائی و استقرار نرم‌افزار مدیریت پرونده قضائی اهدافی برای این دستورالعمل ذکر شده است که به‌طور

مستقیم با انتشار آراء و حق دسترسی عموم مرتبط است. برای مثال امکان انتشار آراء مراجع مختلف قضائی و قانونی برای بهره‌برداری مجامع علمی و قضات، وجود بانک اطلاعات مرکزی برای پیشینه همه پرونده‌های قضائی کشور، ایجاد شفافیت در دادرسی به عنوان برخی از اهداف نرم‌افزار مدیریت پرونده قضائی ذکر شده است. در ماده ۶۵۳ قانون آ.د.ک نیز قوه قضائیه مکلف شده است آراء صادره از محاکم را در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (برخط) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص از طریق درگاه ملی قوه قضائیه ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد.

نکته قابل بررسی دیگر حضور آنلاین عموم در جلسات دادرسی است؛ حضور برخط اصحاب دعوی در جلسات داورى یا میانجیگری و نیز سازش خارج از دادگاه هم‌اکنون امر مرسومى است (Austin, 2017, p. 3). برگزاری جلسات محاکم به صورت برخط یکی از برنامه‌هایی بلند مدت دادگستری انگلستان است که بر اساس آن برخی دعاوی مدنی تا سال ۲۰۲۲ به صورت برخط برگزار خواهد شد. قاضی فولفورد در توجیه لزوم این برنامه گفته است که در جهان امروز مردم بسیاری از امورات زندگیشان را با ابزارهای الکترونیک مانند تلفن هوشمند، آی‌پد و مانند آن انجام می‌دهند. دادگستری نیز باید به انتظارات مردم برای استفاده از این ابزارها پاسخ دهد. قاضی لرد ولف نیز به‌عنوان بخشی از پروسه اصلاحات دعاوی مدنی از مقامات خواست که در محاکم مدنی فناوری‌های مورد نیاز برای رسیدگی برخط را ایجاد کنند. هم‌اکنون استفاده از اینترنت و ابزارهای الکترونیک در دادرسی شایع است؛ برای مثال در دادگاه شاهی بر اساس سیستم دیجیتالی طراحی شده برای این دادگاه^۲ افراد می‌توانند اسناد مورد نیاز را به صورت برخط به اشتراک بگذارند و هر آنچه که مجاز به دیدن آن هستند را به صورت برخط مطالعه کنند. تا ژوئن ۲۰۱۶ شش میلیون سند در این سامانه بارگذاری شده است (Rozenberg, 2017, p. 2). به نظر می‌رسد که در صورت برگزاری جلسات رسیدگی به صورت برخط، حضور مجازی عموم در جلسات دادرسی نیز در صورت فراهم بودن زیرساخت‌های فنی میسر باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد عموم در قیاس با اصحاب دعوی نقش منفعلی در دادرسی دارند و وقتی امکان حضور برخط اصحاب دعوی که بازیگران اصلی دادرسی هستند پذیرفته شود به طریق اولی می‌توان این امکان را برای عموم نیز فراهم ساخت؛ اما باید در درجه اول زیرساخت‌های

فنی این کار به دقت طراحی شود مثلاً افراد ملزم شوند برای مشاهده جریان دادرسی به صورت برخط در سامانه مشخصی ثبت‌نام نمایند، هویت آنان به دقت احراز شود و هزینه‌های احتمالی آن را نیز پرداخت کنند. در این راستا مناسب است اشخاصی که تمایل دارند از طریق فضای مجازی در دادگاه شرکت کنند همانند اصحاب دعوی ملزم به ثبت‌نام در سامانه شوند تا نحوه شرکت در جلسه و زمان برگزاری جلسات از آن طریق به متقاضی ابلاغ شود. درخواست متقاضی بدو توسط دادرس مورد بررسی قرار می‌گیرد تا چنانچه جلسه موردنظر را از مصادیق استثنائات دادرسی علنی تشخیص ندهد آن را مورد پذیرش قرار دهد. در صورت پذیرش این درخواست توسط دادگاه، سپس زمان آن و نحوه حضور مجازی به متقاضی ابلاغ شود. مشارکت الکترونیکی در دادرسی هم اکنون در ماده ۶۵۹ ق.آ.دک پیش‌بینی شده است؛ بر این اساس: «به‌کارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، أخذ شهادت از شهود، نظریات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد موردنظر و ثبت مطمئن سوابق صورت پذیرد.» این ماده که تحقیق به شیوه مجازی از اصحاب دعوی و شهود که ارکان اصلی دادرسی هستند را تجویز می‌کند، اگرچه اشاره‌ای به افراد غیر ذی‌سمت در دادرسی ندارد اما با توجه به مبانی وضع آن و نیز قیاس اولویت که قبلاً شرح آن گذشت، به اشخاص فاقد سمتی که قصد دارند از طریق فضای مجازی در محاکمه شرکت کنند نیز قابل تسری است. هم‌اکنون در برخی کشورها مانند آمریکا عموم امکان دسترسی به تقویم دادگاه‌ها؛ زمان و مکان برگزاری جلسه دادگاه و نیز موضوع جلسه را دارند و از این طریق می‌توانند دادگاهی که می‌خواهند در آن شرکت کنند را انتخاب نمایند. به‌تازگی دعوای امبر هرد علیه همسر سابقش جانی دپ با موضوع خشونت خانگی و مطالبه غرامت به‌صورت علنی برگزار شد با توجه به اینکه طرفین دعوا بازیگران مشهور هالیوود بودند مورد توجه خاص عموم و شبکه‌های اجتماعی شد (www.theguardian.com).

با توجه به اینکه در ماده ۶۵۹ ق.آ.دک؛ استفاده از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به صورت عام مجاز شناخته شده است، ضروری است که این سامانه‌ها برای تضمین تمام اصول بنیادین دادرسی و از جمله اصل دادرسی علنی بدون هر گونه محدودیتی به

کار گرفته شوند. از طرف دیگر، با توجه به تصریح اصل ۱۸۸ قانون اساسی به لزوم علنی بودن محاکمات، ضروری است که تمام اجزای دادرسی متصف به وصف علنی بودن باشد. برای تحقق این مطلوب، و بر اساس قاعده مقدمه واجب، واجب است؛ علی‌الاصول استفاده از فضای مجازی و سامانه‌های ارتباط الکترونیکی از آغاز تا پایان دادرسی و در تمام ابعاد و مراحل رسیدگی به یک دعوی، الزامی است. بر این اساس، دفاتر اوقات دادرسی محاکم، دستور جلسات، موضوع دعاوی، باید در بستر فضای مجازی و از طریق سامانه‌های ارتباط الکترونیک برای عموم قابل دسترس باشد. جلسات دادرسی با هر نوع دستور جلسه‌ای اعم از جلسه رسیدگی، جلسه استماع شهادت یا جرح یا تعدیل شهود، بررسی نظریه کارشناسی، سوگند و... نیز باید به همین کیفیت برای عموم قابل مشاهده و دسترسی باشد. دسترسی به اسناد و اوراق پرونده و نیز هویت دادرسی یا دادرسان دادگاه، هویت وکلای اصحاب دعوی و کارشناسان پرونده نیز باید از همین روند تبعیت کند. این رویه منحصر به محاکم بدوی نیست بلکه در مراحل تجدیدنظر و فرجام و در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و حتی در مراجع اختصاصی نیز باید مراعات شود. به‌طور کلی، تمام حقوقی که در محاکمات حضوری، عموم در پرتو حمایت اصل دادرسی علنی از آن برخوردار هستند در بستر فضای مجازی نیز باید برای آنان فراهم شود.

۳-۳. استثنائات اصل علنی بودن دادرسی

اصل علنی بودن دادرسی همچون بسیاری از اصول حقوقی دیگر به‌صورت مطلق باقی نمانده و در صورت تعارض با مصالح عالی‌تر عدول از آن تجویز شده است. به‌موجب قسمت اخیر اصل ۱۶۵ ق.ا.نیز در صورتی که به تشخیص دادگاه، علنی بودن محاکمه منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد؛ جلسه محاکمه باید به‌صورت غیرعلنی برگزار شود. عفت عمومی درجه‌ای است از عفت که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص. ۴۳۵). عفت عمومی از جمله هنجارها و ارزش‌های است که جامعه رعایت آن را لازم می‌شمارد. در نتیجه، دعاوی مربوط به عفت عمومی معمولاً مربوط به مواردی است که جرائم ارتكابی نسبت به آن

هم جامعه را خشمگین می‌سازد و هم شرافت و حیثیت و عزت خانوادگی افراد را به خطر می‌اندازد (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۶۱۲). در قواعد دسترسی به عدالت ایندیانا برخی مصادیق استثناء مانند تعقیب و پاییدن غیرقانونی یک فرد، تجاوز جنسی، خشونت خانوادگی که به عنوان استثنای اصل کلی دسترسی عمومی ذکر شده‌اند با اصطلاح کلی عفت عمومی در حقوق ایران قابل تطبیق است. در ایالت ورمانت یکی از استثنائات اصل کلی دسترسی عمومی، بر اساس قاعده 6.b(10) موضوع DNA یا اثبات نسب است. وقتی این آزمایش در یک پرونده خانوادگی مطرح می‌شود این موضوع بی‌نهایت حساس و شخصی است به اندازه‌ای که باعث می‌شود در موازنه بین مزایای علنی بودن دادرسی و حمایت از حریم خصوصی کفه ترازو به سمت حمایت از حریم خصوصی سنگین شود. اطلاعات راجع به سیاهه اموال و درآمدها در دعاوی خانوادگی و نیز اطلاعات پزشکی از دیگر استثنائات هستند. در خصوص اطلاعات پزشکی سابقاً مقررات این ایالت هر گونه اطلاعات پزشکی را جزء این استثنائات می‌دانست و قضات با تفسیری وسیع حتی صورتحساب خدمات پزشکی را غیر قابل دسترسی می‌دانستند؛ ولی در اصلاحات اخیر شرایطی برای منع دسترسی عموم به اطلاعات پزشکی مندرج در پرونده لحاظ شده است؛ باید آن سند به وسیله یک مسئول حرفه‌ای سلامت روانی یا جسمی ایجاد شده باشد، توصیف‌کننده نشانه‌های سلامت جسمی یا روحی فرد و تشخیص‌های پزشکی مرتبط و نیز توصیه‌های علمی مربوط به رفتار بیمار باشد (Vermont rules for public access, 2019, p. 21).

موضوع دیگری که موجب جواز غیرعلنی بودن جلسه دادرسی است، نظم عمومی است. نظم عمومی، مجموعه قواعد الزامی حقوقی و قوانین و مقررات وابسته به حسن جریان امور لازم مربوط به اداره کشور و یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط افراد مردم که اراده افراد جامعه در خلاف جهت آنها بی‌تأثیر است می‌باشد. این قواعد به‌رغم اینکه عموماً در قوانین کشوری مندرج است اما ضرورتاً لباس قانون بر تن ندارد (ابدالی و عیسایی تفرشی، ۱۳۸۳، ص. ۳). به‌واقع، هر جا به نظم عمومی استناد می‌شود، قاعده‌ای مورد گفتگو است که با مصالح عالی دولت و نفع عموم ارتباط دارد و به همین دلیل باید بر قاعده دیگری که بیشتر جنبه خصوصی دارد حکومت کند

(کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۴). واضح است که تبادل اسناد به شیوه الکترونیک در صورتی امکان‌پذیر است که نخست ادله سنتی برای مثال خلاصه پرونده ثبتی یک ملک معین در اداره ثبت یا محتویات پرونده أخذ تسهیلات در یک بانک دولتی در قالب الکترونیک تعریف شود. به این معنا که در قالب دیجیتالی یا رقومی ایجاد یا ذخیره شده باشد؛ خواه از رایانه برای انجام کاری استفاده شده یا اینکه به‌طور خودکار عمل کرده باشد (Chung, 1998, p. 5). این اسناد سپس از طریق واسطه‌های الکترونیکی به دادگاه یا مراجع ذیصلاح دیگر قابل انتقال است. این شیوه انتقال در قیاس با انتقال سنتی اسناد مانند سپردن نامه به اداره پست از سهولت و سرعت بسیار بیشتری برخوردار است اما به همان میزان خطرات آن نیز بیشتر است. در واقع داده‌های رایانه‌ای در مقایسه با اسناد کاغذی بیشتر در معرض دسترسی غیرمجاز هستند؛ چراکه ممکن است از طریق اینترنت برای افراد مختلفی قابل دسترسی باشند. همچنین این اسناد با فناوری‌های نوین ارتباط گسترده‌ای دارند. به علت نقش دانش اینترنتی در تهیه و ایجاد چنین اسنادی می‌توان متصور شد که جعل و دستکاری در این اسناد خطرناک‌تر و پیامدهای منفی بیشتری دارد فلذا باید متخصصان لازم برای احراز اصالت این اسناد در دستگاه قضایی موجود باشد. نکته دیگری که باید بدان توجه کرد نقش مهم حفظ حریم خصوصی اسناد الکترونیکی در فضای مجازی است. این امر به‌ویژه در زمینه سوءاستفاده از این اسناد مهم می‌نماید. در دادرسی غیرمجازی همان‌طور که فوقاً بیان شد در صورتی که ابراز سند با مصالح سیاسی کشور یا نظم عمومی منافات داشته باشد آن سند قابل ارائه به دادگاه نخواهد بود؛ علاوه بر این تحویل اسناد سری باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد. در دادرسی مجازی نیز اولاً باید تلاش شود شبکه مورد استفاده از نظر ایمنی و مقابله با خطر هک به قدری قدرتمند باشد که این خطرات به حداقل ممکن تقلیل یابد؛ همچنین همچون دادرسی غیر الکترونیک ارائه اسناد سری باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد و در مواردی که ابراز سند با مصالح سیاسی و نظم عمومی مابینت داشته باشد آن سند در بستر مجازی نیز همانند بستر فیزیکی قابل ارائه نخواهد بود؛ زیرا همان‌طور که گفته شد دادرسی الکترونیکی تفاوت جوهری و مادی با دادرسی عادی ندارد و از همان اصول و محدودیت‌ها تبعیت می‌کند. در مورد تبادل سایر اسناد الکترونیکی یعنی اسنادی که ارائه شکل غیرالکترونیک آن آسیبی به مصالح

سیاسی یا نظم عمومی وارد نمی‌کند نیز رعایت تمهیدات امنیتی ضروری است. ماده ۶۵۵ قانون آ.د.ک نیز در تأیید لزوم رعایت ایمنی در تبادل مجازی اشعار می‌دارد: «در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری؛ سند، نوشته، برگه اجرائیه، اوراق رأی، امضاء، اثرانگشت، ابلاغ اوراق قضائی، اعلام نشانی و مانند آن لازم باشد، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است». بنابراین طراحی سامانه ایمن که خطر هک و سرقت اطلاعات را متفی یا به ضعیف‌ترین حد ممکن تقلیل دهد پیش شرط اساسی تبادل اسناد الکترونیکی است. در مقررات دسترسی به عدالت ایندیانا نیز برخی اسناد و اطلاعات از شمول اصل کلی دسترسی عمومی خارج شده‌اند. بر این اساس دسترسی اینترنتی به اسناد مرتبط با پرونده برای عموم غیرممکن است؛ در صورتی که بر اساس قانون یا دستور دادگاه اسناد محرمانه تشخیص داده شود یا موضوع پرونده بررسی سلامت روانی افراد باشد؛ همچنین دسترسی به شماره‌های خصوصی و امنیتی اشخاص زنده مرتبط با پرونده، اطلاعات مربوط به اقامتگاه مانند: آدرس اینترنتی، شماره تماس، تاریخ تولد که منجر به افشای هویت فرد شود بر اساس این مقررات ممنوع است. علاوه بر این دسترسی به مشخصات فردی شهود و مجنی‌علهیم در پرونده‌های کیفری، خشونت خانگی، تعرض جنسی، اطلاعات مربوط به محل اقامت قاضی و کارمندان دادگاه مگر در مواردی که آنان این حق محرمانگی را ساقط کرده باشند، شماره حساب تسهیلات بانکی، قرارداد وام، کارت اعتباری، منع شده است (Kay Hudson, 2020, p. 14). نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که دلایل موجهه حکم، مشمول استثنائات کمتری نسبت به علنی بودن فرایند رسیدگی است. در حقیقت، حتی در مواردی که به دلایل مصرح، فرایند رسیدگی به صورت غیرعلنی باشد، حکم صادره و دلایل موجهه آن باید به صورت علنی اعلان شود (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۰). در کمیسیون حقوق بشر به هنگام بحث درباره موضوع علنی بودن محاکمه به شرایط و عواملی اشاره شد که ممکن است برپایی یک دادرسی سری را توجیه کند اما هرگز مقتضی پنهان داشتن حکم نیست. بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و زمینه

تاریخی آن به روشنی گویای این مطلب است. به موجب این مقرر هر حکم صادره در یک پرونده مدنی یا کیفری باید علنی باشد. هدف از اعلان علنی حکم همان کنترل اجرای عدالت توسط مردم است؛ زیرا امکان ارزیابی احکام را برای هر کس فراهم می‌کند و این مقصود می‌تواند با ابراز شفاهی حکم در جلسه علنی دادگاه یا با انتشار حکم کتبی و یا هر دو طریق تأمین شود (فضائل، ۱۳۸۹، ص. ۳۲۴).

تقاضای اصحاب دعوی در دعاوی خصوصی از دیگر مواردی است که مجوز برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی است، این قاعده در دادرسی معمول و نیز الکترونیکی لازم‌الرعایه است؛ النهایه از آنجا که در حضور مجازی ممکن است اصحاب دعوی از هویت متقاضیان حضور در جلسه بی‌اطلاع باشند باید هویت آنان به اطلاع اصحاب دعوی برسد تا در صورتی که حضور آنان را مخالف مصالح خود بدانند با توافق یکدیگر از دادگاه درخواست برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی را بنمایند. این ترتیب به ویژه در دعاوی مربوط به اسرار تجاری و حرفه‌ای با حفظ محرمانگی داده‌ها و اسرار تجاری و اقتصادی که طرفین نظر به عدم افشای آن دارند به نحو مناسبی حقوق اصحاب دعوی را تأمین می‌کند.

نتیجه گیری

عمدتاً علنی بودن دادرسی به استماع دعوی در منظر عموم اطلاق می‌شود، به گونه‌ای که فرایند رسیدگی و استماع در دادگاه برای عموم قابل ملاحظه باشد. تعاریف فوق دارای ایراد مشترکی هستند و آن محدود ساختن علنی بودن دادرسی به آزادی ورود و خروج به جلسه دادگاه است. اما به نظر می‌رسد که اصل دادرسی علنی دارای معنای وسیع‌تری است. بر این اساس جریان دعوی و مجادلات اصحاب دعوی اصولاً باید علنی و غیرسری برگزار شود و رأی که صادر می‌شود نیز در اختیار عموم گذاشته شود.

اصل علنی بودن دادرسی موقعیتی ممتاز در میان سایر اصول دادرسی مدنی دارد زیرا امکان نظارت عمومی بر آیین احقاق حق را فراهم می‌نماید و دادرسی در سایه این نظارت بیش از پیش به انجام دادرسی منصفانه و رعایت اصول و قواعد آمره دادرسی اهتمام می‌ورزد. در فقه امامیه نیز مؤیدات محکمی بر لزوم دادرسی علنی مانند منع گماشتن حاجب و لزوم تشکیل دادگاه در مکانی که در دید عموم باشد، به چشم

می‌خورد. در عصر حاضر به دلیل کمبود فضای فیزیکی در محاکم، بعد مسافت بین محل زندگی متقاضی و محل تشکیل جلسه و نیز ملاحظات امنیتی تا حد زیادی اجرای اصل علنی بودن دادرسی به فراموشی سپرده شده است اما توجه به ابزارهای مخابراتی و مجازی کنونی می‌تواند به احیای این اصل با سهولت و هزینه کمتر منتهی شود. این امکان مبادی هم با شرع انور ندارد زیرا دادرسی مجازی و الکترونیکی تفاوت ماهیتی با دادرسی معمول ندارد و صرفاً تشریفات و آیین برگزاری این دو در برخی جهات متفاوت است؛ ادله مشعر بر لزوم دادرسی علنی نیز از این حیث اطلاق و عمومیت داشته و منحصر به حضور فیزیکی در محاکمات حضوری نیست. بنای عقلاء به انضمام عدم منع و ردع شارع نیز این رویه را تأیید می‌کند؛ به عبارت دیگر هر ابزاری که به تحقق دادرسی علنی مساعدت نماید همسو با ادله فقهی بوده و از این حیث مورد تأیید شارع است زیرا در عصر حاضر با توجه به افزایش جمعیت و بزرگ بودن شهرها نمی‌توان آن‌گونه که در فقه امامیه تأکید شده است، با تشکیل دادگاه در مکان بارز و منع حاجب به تحقق دادرسی علنی امیدوار بود و این خلأ اکنون با استفاده از فضای مجازی قابل رفع است. در بعد تقنینی اما مقررات مربوط از صراحت کافی درباره جواز حضور مجازی عموم در محاکمات برخوردار نیست و این مقررات صرفاً در مقام بیان نحوه حضور مجازی اصحاب دعوی و شهود در دادرسی هستند اما با توجه به برخی مقررات مانند بند ت ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، که ایجاد نظام جامع دادرسی الکترونیک را به عنوان یک هدف اساسی دادگستری تعریف کرده است؛ می‌توان از حضور مجازی عموم در دادرسی دفاع کرد؛ زیرا اگر اصحاب دعوی و نیز شهود که محور اصلی دادرسی بوده و نقش فعال در دادرسی دارند بتوانند از طریق فضای مجازی در دادرسی شرکت کنند و دادرس بدون درک فیزیکی آنان مکلف به قضاوت و کشف حقیقت شود به طریق اولی عموم که به نسبت اصحاب دعوی واجد نقش منفعل‌تری هستند نیز می‌توانند به صورت مجازی ناظر دادرسی باشند. ماده ۶۵۹ قانون آ.د.ک نیز که استفاده از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادات از شهود یا نظرات کارشناسی با احراز هویت و ثبت سوابق را مجاز دانسته و قیاس اولویت نیز این استنباط را تقویت می‌کند. دسترسی به این هدف مهم نیز بسته به

آن است که نخست زیرساخت‌های فنی متناسب برای این کار فراهم شود و مکان‌های مشخصی برای این کار در نظر گرفته شود به گونه‌ای که متقاضی ابتدا درخواست خود را به محکمه ارسال و پس از بررسی توسط دادرس و احراز اینکه دعوی مطروحه از مصادیق استثنائات اصل علنی بودن دادرسی نیست فرد با حضور در این دفاتر و احراز هویت کامل پس از اخذ امضای الکترونیکی و کد رهگیری بتواند به صورت برخط روند محاکمه را مشاهده نماید؛ علاوه بر این در بُعد تقنینی در مقررات دادرسی الکترونیکی و رایانه‌ای باید به صراحت امکان حضور مجازی عموم در دادرسی مورد اشاره قرار گیرد. همچنین مقدمات حضور مانند زمان و نحوه ثبت الکترونیک درخواست حضور در جلسه، تعداد افرادی که می‌توانند در هر جلسه دادگاه حاضر شوند، هزینه‌های احتمالی، نحوه حضور، مکانی که فرد متقاضی می‌تواند برای حضور مجازی انتخاب کند، استثنائات این اصل و موارد ممنوع بودن حضور مجازی به روشنی تبیین شود.

یادداشت‌ها

1. Vermont rules for public access, 2019
2. DCS (Digital Case System)

کتابنامه

- آقایاری، محمد؛ کریمی، عباس و السان، مصطفی (۱۳۹۵). تشریفات دادرسی مدنی الکترونیکی. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، سال نهم، (۳۴)، صص. ۲۲۹-۲۵۰.
- ابدالی، مهرزاد و عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۸۳). بررسی قراردادهای نامشروع (مغایر نظم عمومی) در حقوق فرانسه و ایران و انگلیس. فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، (۳۷)، صص. ۱-۲۲.
- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (بی تا). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المذهب. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). الوسیله. الطبعة الاولى، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- پوراستاد، مجید و افسر، گلنوش (۱۳۸۹). گزارش سفر به کنفرانس عدالت الکترونیکی

- مجارستان. مجله کانون وکلا، (۲۱۰)، صص. ۳۱-۵۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *دائرة‌المعارف علوم اسلامی قضایی*. ج ۱، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج ۴، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. ج ۲، تهران: گنج دانش.
- حسینی نژاد، سید مجتبی (۱۳۹۶). تحلیل حجیت بنای عقلاء با رویکردی در مسائل مستحدثه. *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال سیزدهم، (۴۸)، صص. ۳۷-۶۲.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۰). *مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۱). *دادرسی الکترونیکی؛ ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها*. آموزه‌های حقوق کیفری، (۳)، صص. ۱۲۹-۱۵۰.
- سرخوش، بهنام و داودی گرمارودی، هما (۱۳۹۸). بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به صورت الکترونیکی. *تحقیقات حقوقی ایران و بین‌الملل*، سال دوازدهم، (۴۳)، صص. ۵۵-۷۹.
- سنگلچی، محمد (۱۳۸۱). *آیین دادرسی در اسلام*. قزوین: انتشارات حدیث امروز.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۲). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: انتشارات میزان.
- صاحب جواهر، محمدحسن (۱۹۸۱م). *جواهر الکلام*. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: محمدباقر بهبودی.
- غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۸۵). *اصول تضمین‌کننده عملکرد دموکراتیک در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۷۴)، صص. ۲۶۵-۲۹۶.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه*. تهران: انتشارات شهر دانش.
- قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۹۰). *حقوق بشر در جهان معاصر*. دفتر دوم، تهران: شهردانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *فلسفه حقوق*. جلد ۲ و ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، حسن (۱۳۸۹). *فن اداره جریان دادرسی مدنی، سازماندهی دادرسی در قالب اصول*

دادرسی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۴)، صص. ۳۵۳-۳۶۸.
محسنی، حسن (۱۳۹۱). آیین دادرسی مدنی فرانسه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
مهرافشان، علیرضا (۱۳۹۰). دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی. مطالعات فقه و
حقوق اسلامی، سال سوم، (۵)، صص. ۱۱۹-۱۴۷.
هاشمی، سید جعفر (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی اصول محاکمات مدنی در قوانین اساسی
مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم، تهران: نشر میزان.

Austin, Charlotte (2017). *Online dispute resolution*. Victoria university of wellington.
Groniger Ian, Fealy Michael (2000). *The civil procedures rules in Action*. Second Edition.
Kay Hudson, Mary (2020). *Public access to court records handbook*. Edition, available at: www.in.gov/courts/rules.
Rozenberg, goshua (2017). *Justice online : just as good?* Gresham College.
Scott v scott (1913). Available at: swarb.co.uk.
Vermont rules for public access to court records and abrogating the rules governing dissemination of electronic case records, available at: vermontjudiciary.org.
www.theguardian.com